

The Irrefutable Evidence of Prophetic Truthfulness in Light of Amīr al- Mu'minīn (a)'s Reading of "lā yakdhibūnaka" (al-An'ām 6:33) *

Reza Mollazadeh **

Abstract

Verse 33 of Surah al-An'ām presents a significant hermeneutical challenge due to its negation of the Prophet's (p) rejection—specifically, *fa-innahum lā yukadhdhibūnaka*, meaning "for indeed, they do not call you a liar"—which appears to contradict historical reality. Employing a descriptive-analytical methodology and qualitative content analysis, this research investigates the interpretive role of the reading attributed to Amīr al-Mu'minīn (a)—*lā yakdhibūnaka*, with a non-intensified dhāl—and how this perspective is reflected within Shi'i exegesis (*tafsīr*) when confronting this challenge. The findings indicate that this interpretation, ascribed to the Ahl al-Bayt (a) through various narrations, shifts the emphasis of the verse from "personal rejection" to the "epistemic and argumentative powerlessness" of the opponents. According to transmitted exegesis (*al-tafsīr al-ma'thūr*), the opponents were incapable of "refuting the Prophetic truth through the presentation of counter-arguments or superior alternatives." This exegetical perspective is consistently evident in the works of prominent Imāmī scholars—from al-Qummī and al-'Ayyāshī to al-Ṭūsī and 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī—and grounds the Prophet's (p) veracity in the "argumentative irrefutability" of his mission. Consequently, by offering a reasoned interpretation, this reading distinctly diverges from dominant exegetical paradigms—primarily those grounded in the opponents' internal affirmation—and provides significant theological (*kalāmī*) potential for a rational exposition of prophetic veracity.

Keywords: Argumentative irrefutability, Epistemic powerlessness, Reading of Amīr al-Mu'minīn, Shi'i Exegesis, Quranic Hermeneutics

* Received: 2025-06-10 Revised: 2025-07-12 Accepted: 2025-07-29

** Postdoctoral in Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (The Corresponding Author) Email: reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

ابطال ناپذیری حقانیت نبوی در پرتو قرائت امیرالمؤمنین (ع) از آیه «لَا يَكْذِبُونَكَ» (انعام: ۳۳)*

رضا ملازاده یامچی**

چکیده

آیه ۳۳ سورة انعام به دلیل نفی تکذیب پیامبر (ص) (فَإِنْهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ) و تعارض ظاهری آن با واقعیت تاریخی، یک چالش هرمنوتیکی مهم را مطرح می‌کند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با تحلیل محتوای کیفی متون، به بررسی نقش قرائت منسوب به امیرالمؤمنین (ع)؛ («لَا يَكْذِبُونَكَ» به تخفیف) و بازتاب آن در تفسیر شیعه برای حل این چالش می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که این قرائت، که در روایات به اهل بیت (ع) مستند شده، کانون معنایی آیه را از «تکذیب شخصی» به «عجز معرفتی و استدلالی مخالفان» منتقل می‌کند. براساس تفسیر مأثور، مخالفان از «ابطال حق نبوی از راه ارائه برهان یا بدیل برتر» ناتوان بوده‌اند. این رویکرد تفسیری در آثار مفسران کلیدی امامیه (از قمی و عیاشی تا طوسی و علامه طباطبائی) استمرار یافته‌است و حقانیت پیامبر (ص) را بر «ابطال ناپذیری برهانی» رسالت ایشان استوار می‌سازد. نتیجه آن‌که، این قرائت با ارائه تفسیری برهان‌محور، تمایزی بنیادین با پارادایم‌های تفسیری رایج (مبتنی بر تصدیق قلبی) ایجاد کرده‌است و ظرفیت کلامی قابل توجهی برای تبیین عقلانی صدق نبوت فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: آیه ۳۳ سورة انعام، قرائت امیرالمؤمنین (ع)، لَا يَكْذِبُونَكَ، ابطال ناپذیری برهانی، عجز معرفتی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

** پسا دکتري علوم قرآن و حديث دانشكده الهيات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)



۱- مقدمه

قرآن کریم، به عنوان کلام الهی و محور اندیشه اسلامی، همواره کانون تأملات عمیق مفسران و متکلمان بوده است. در این میان، برخی آیات به دلیل غنای معنایی و پیچیدگی‌های ظاهری، چالش‌های هرمنوتیکی مهمی را پیش روی اندیشمندان قرارداده‌اند که راه‌گشای درک لایه‌های عمیق‌تر وحی بوده‌اند. یکی از ابزارهای کلیدی در مواجهه با این چالش‌ها، توجه به سنت «اختلاف قرائات» است که می‌تواند افق‌های معنایی جدیدی را بر آیه بگشاید. آیه ۳۳ سورة انعام، با عبارت کلیدی «فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ»، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این دسته از آیات است که از دیرباز ذهن مفسران را به خود مشغول داشته است. این آیه در نگاه نخست، گزاره‌ای را مطرح می‌کند که با واقعیات مسلم تاریخی و حتی سایر آیات قرآنی در تعارض به نظر می‌رسد و همین امر، ضرورت تبیین دقیق مسأله و بررسی راهکارهای تفسیری را دوچندان می‌کند.

۱-۱. بیان مسأله

آیه ۳۳ سورة انعام، «قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَئِنْ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ»، در نگاه نخست، با یک چالش تفسیری و هرمنوتیکی مواجه است. بخش میانی آیه، «فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ»، به ظاهر نفی‌کننده تکذیب پیامبر اکرم (ص) از سوی مخالفان ایشان است. این گزاره درحالی مطرح می‌شود که شواهد تاریخی متعدد و گزارش‌های قرآنی دیگر، از تکذیب آشکار، روی‌گردانی از رسالت و اتهامات گوناگون به ساحت نبی مکرم اسلام (ص) از سوی همین مخالفان حکایت دارد؛ این تعارض ظاهری، مفسران را بر آن داشته تا به بررسی دقیق‌تر و ارائه وجوه مختلف برای تبیین مراد آیه بپردازند. در این میان، مسأله اساسی این است که

چگونه می‌توان بین نفی تکذیب پیامبر (ص) در این آیه و واقعیت تاریخی انکار ایشان جمع کرد؟ (علم‌الهدی، ۱۴۳۱ق: ۲/۲۶۲). سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که چگونه خداوند از یک سو وقوع تکذیب از جانب آنان را نفی می‌کند و سپس می‌فرماید: آنان آیات خدا را انکار می‌کنند، درحالی‌که انکار آیات الهی، خود نوعی تکذیب پیامبر (ص) محسوب می‌شود؟ (علم‌الهدی، ۱۴۳۱ق: ۲/۲۶۲). این ابهام اولیه، ضرورت تأمل عمیق‌تر در مفاد آیه و بررسی جوانب مختلف آن را، ازجمله نقش و تأثیر اختلاف قرائات در ارائه فهمی دقیق‌تر و منسجم‌تر از پیام الهی آشکار می‌سازد. رجوع به قرائات مختلف، به‌ویژه قرائات مأثور، می‌تواند راه‌گشای فهم لایه‌های معنایی عمیق‌تر آیه و رفع این چالش هرمنوتیکی باشد.

۲-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

در سنت تفسیری امامیه، روایات و آثار مأثور از اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، ازجمله قرائات خاص ایشان، به‌عنوان یکی از منابع و ابزارهای کلیدی برای فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر معانی آیات قرآن کریم شناخته می‌شود. این قرائات، گاه با ارائه وجهی متمایز از قرائت مشهور، می‌توانند افق‌های جدیدی در تفسیر آیات بگشایند و به حل برخی معضلات و چالش‌های تفسیری کمک‌کنند. آیه ۳۳ سورة انعام، باتوجه به ابهام اولیه‌ای که در «بیان مسأله» طرح شد، نمونه‌ای بارز از آیاتی است که رجوع به قرائات مأثور از اهل بیت (ع) می‌تواند در ارائه تفسیری منسجم و هم‌خوان با سایر مبانی اعتقادی، راه‌گشا باشد.

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که قرائت منسوب به امیرالمؤمنین علی (ع) در عبارت «لَا يَكْذِبُونَكَ» (با تخفیف ذال)، و تفسیر همراه آن که

در روایات از ایشان وامام صادق (ع) نقل شده است، ظرفیت قابل توجهی برای ارائه یک فهم روشن و بدون تعارض از آیه ارائه می‌دهد. این قرائت و معنای مستفاد از آن، نه تنها چالش ظاهری میان نفی تکذیب پیامبر (ص) و واقعیت تاریخی را برطرف می‌سازد، بلکه به‌طور ویژه بر جنبه‌ای بنیادین از رسالت نبوی، یعنی «عدم امکان ابطال حقانیت پیامبر (ص)» و عجز معرفتی و استدلالی مخالفان در برابر پیام الهی، تأکید می‌ورزد. درحالی‌که بسیاری از تفاسیر رایج، برای حل تعارض به وجوهی نظیر تصدیق قلبی و انکار ظاهری مشرکان یا تفکیک میان تکذیب شخص پیامبر و تکذیب آیات الهی پرداخته‌اند، روی‌کرد مبتنی بر قرائت اهل بیت (ع) بر استحکام ذاتی و ابطال ناپذیری خود پیام و حقانیت آورنده آن تمرکز دارد.

بنابراین، تحلیل دقیق این قرائت و بازتاب آن در میراث تفسیری شیعه، نه تنها به فهم بهتر یک آیه خاص کمک می‌کند، بلکه می‌تواند نمونه‌ای از کارکرد قرائات اهل بیت (ع) در ارائه راه حل‌های تفسیری منسجم و تقویت‌کننده مبانی اعتقادی باشد. این پژوهش، می‌کوشد تا این ظرفیت را در مورد آیه مورد بحث، با اتکا به داده‌های موجود، به تفصیل بررسی و تبیین کند و نشان دهد که چگونه یک حرکت (تخفیف در مقابل تشدید) می‌تواند در معنای آیه تحولی ایجاد کند که نه تنها شبهه تعارض را برطرف، بلکه برهان حقانیت را استوارتر کند.

۳-۱- پرسش‌های اصلی و فرعی پژوهش

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که: قرائت منسوب به امیرالمؤمنین (ع) در آیه ۳۳ سوره انعام («لَا يَكْذِبُونَكَ») چگونه بر «عجز معرفتی مخالفان و عدم امکان ابطال حقانیت پیامبر (ص)» دلالت دارد و این معنا چه بازتابی در میراث

تفسیری شیعه داشته است؟

در راستای تبیین ابعاد این پرسش اصلی، تحقیق به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر نیز خواهد بود:

نخست آن‌که، دلالت معنایی و مبانی لغوی قرائت «لَا يَكْذِبُونَكَ» در مقایسه با قرائت مشهور چیست؟ دوم آن‌که، این قرائت و تفسیر مبتنی بر آن، با چه کیفیتی در آثار مفسران کلیدی شیعه (از متقدمان تا معاصران) تحلیل و به کار گرفته شده است؟ و سرانجام آن‌که، روی‌کرد تفسیری برآمده از این قرائت، از چه جهت با سایر دیدگاه‌های تفسیری در تبیین آیه متمایز می‌شود؟

۲. مبانی نظری و زمینه‌های تفسیری آیه ۳۳ سورة انعام

برای فهم عمیق روی‌کرد تفسیری مبتنی بر قرائت امیرالمؤمنین (ع)، ضروری است که ابتدا زمینه‌های نظری و تفسیری مرتبط با آیه ۳۳ سورة انعام به دقت کاویده شود. این بخش به سه مبانی کلیدی می‌پردازد: نخست، پدیدارشناسی اختلاف قرائات در فعل «يُكَذِّبُونَكَ» و بررسی مستندات هر یک از دو قرائت اصلی؛ دوم، تحلیل صرفی-معنایی ریشه «ک-ذ-ب» در دو ساختار «تفعیل» و «افعال» که کلید تمایز معنایی دو قرائت است؛ و سرانجام، تبیین دقیق چالش هرمنوتیکی آیه که از نسبت میان نفی تکذیب پیامبر (ص) و واقعیت تاریخی انکار ایشان برمی‌خیزد. این سه مبحث، شالوده نظری لازم برای تحلیل جایگاه و کارکرد قرائت اهل بیت (ع) را فراهم می‌آورند.

۲-۱. پدیدارشناسی اختلاف قرائات در «يُكَذِّبُونَكَ» و مبانی استنادی آن‌ها

فعل «يُكَذِّبُونَكَ» در این آیه، به دو صورت اصلی قرائت شده است که مبانی دو روی‌کرد تفسیری متفاوت قرار گرفته‌اند:

قرائت نخست، «يُكْذِبُونَكَ» با فتح كاف و تشدید ذال، قرائت جمهور قراء است که در میان قراء سبعة به ابن کثیر، ابن عامر، عاصم و حمزه، و در میان قراء عشره به ابوجعفر و یعقوب و خلف نیز نسبت داده شده است. این قرائت، به دلیل رواج گسترده، به عنوان قرائت عامه شناخته می شود (ابن مجاهد، ۲۰۰۷: ۲۵۴؛ الدانی، ۱۴۲۸ق: ۱۴۷؛ ابن الجزری، ۱۴۲۲ق: ۲۵۹/۲). برخی منابع تفسیری نیز نقل کرده اند که ابن عباس با استناد به سابقه «امین» بودن پیامبر (ص)، این قرائت را ترجیح داده است (طوسی، بی تا: ۱۱۹/۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۴۱۶/۶).

قرائت دوم، «يَكْذِبُونَكَ» با سکون كاف و تخفیف ذال، قرائت نافع و کسائی از قراء سبعة است (ابن مجاهد، ۲۰۰۷: ۲۵۴؛ الدانی، ۱۴۲۸ق: ۱۴۷). اهمیت ویژه این قرائت در سنت تفسیری امامیه، استناد آن به امیرالمؤمنین علی (ع) و امام صادق (ع) است که در منابع فریقین انعکاس یافته است (فراء، ۱۹۸۰: ۳۳۱/۱؛ طوسی، بی تا: ۱۱۹/۴؛ شریف مرتضی، ۱۴۳۱ق: ۲۶۲/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۴۱۶/۶). این انتساب، زمینه را برای فهمی متمایز از آیه فراهم آورده که در میراث روایی اهل بیت (ع) تبیین شده است.

تبیین معنایی قرائت تخفیف در روایات امامیه، بر «عجز استدلالی» مخالفان متمرکز است. در روایتی از امام صادق (ع) آمده که آیه به صورت مخففه نازل شده و به این معنا است که آنان «نمی توانند باطلی بیاورند که با آن حق تو را تکذیب کنند» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۰/۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۳۵۹/۱). در بیانی دیگر، این عجز به «ناتوانی از ابطال گفتار تو» (لَا يَسْتَطِيعُونَ إِبْطَالَ قَوْلِكَ) تفسیر شده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۳۵۹/۱). هم چنین، روایتی در تفسیر قمی که قرائت را «لَا يَأْتُونَكَ» ضبط کرده، آن را به معنای «عدم توانایی بر آوردن حقی برای ابطال حق تو» دانسته که با

جوهر معنایی روایات دیگر کاملاً همسو است (قمی، ۱۳۶۳ش: ۱/۱۹۶). این تفاسیر روایی، شالوده روی کردی برهان محور را در تفسیر آیه بنیان نهاده‌اند.

۲-۲. تحلیل صرفی-معنایی ریشه «ک-ذ-ب» و ابنیه «تفعیل» (کَذَّبَ) و «افعال» (اُكْذَبَ)

تمایز معنایی میان دو قرائت «يُكْذِبُونَكَ» (با تشدید) و «يُكْذِبُونَكَ» (با تخفیف)، ریشه در تفاوت‌های صرفی میان باب «تفعیل» (كَذَّبَ) و باب «افعال» (اُكْذَبَ) دارد. تحلیل این دو باب، که در منابع لغوی و تفسیری به تفصیل آمده، کلید فهم دقیق آیه و رفع چالش هرمنوتیکی آن است.

۲-۲-۱. معنای «كَذَّبَ» (باب تفعیل) و دلالت قرائت با تشدید

منابع لغوی و تفسیری اتفاق نظر دارند که فعل «كَذَّبَ» در باب تفعیل، به معنای نسبت دادن کذب به دیگری یا دروغگو خواندن کسی است. این معنا شامل آن است که به شخصی صراحتاً گفته شود «دروغ گفتی»، او را در گمان خود دروغگو پنداشته، یا ضمن نسبت دادن دروغ، گفته‌های او را نیز رد کنند (فراء، ۱۹۸۰م: ۱/۳۳۱؛ زجاج، ۱۹۸۸ق: ۲/۲۴۲؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق: ۱۳۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲/۱۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق: ۶/۴۱۶). بنابراین، قرائت با تشدید عمدتاً بر جنبه اتهام مستقیم دروغگویی به شخص پیامبر (ص) و رد کردن دعوت ایشان دلالت دارد.

۲-۲-۲. معنای «اُكْذَبَ» (باب افعال) و دلالت قرائت با تخفیف

باب افعال از ریشه «ک-ذ-ب»، یعنی «اُكْذَبَ»، دارای وجوه معنایی متعددی است که در فهم قرائت با تخفیف «يُكْذِبُونَكَ» بسیار حائز اهمیت است:

۲-۲-۲-۱. به معنای «دروغو یافتن» (صادقه/وجهه کاذباً): یکی از معانی اصلی باب افعال، یافتن مفعول به صفت مشتق از ریشه فعل است. بر این اساس، «اُكْذِبُهُ» به معنای «او را دروغگو یافت» است و آیه «لَا يُكْذِبُونَكَ» یعنی «[آنان] تو را دروغگو نمی‌یابند». این معنا مشابه ساختارهایی چون «أَحْمَدْتُهُ» (او را ستوده‌یافتم) است (رازی، ۱۴۲۰ق: ۵۱۷/۱۲؛ واحدی، ۱۴۳۰ق: ۹۵/۸؛ ابن‌قتیبه، ۱۴۱۱ق: ۱۳۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱۸/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق: ۴۱۶/۶).

۲-۲-۲-۲. به معنای «باطل شمردن محتوای پیام»: وجه معنایی مهم دیگر برای «اُكْذِبْتُهُ»، «ادعاکردن یا نشان‌دادن کذب بودن چیزی است که دیگری آورده»، حتی اگر خود آن شخص، سازنده آن کذب نباشد. این تمایز میان تکذیب شخص و تکذیب پیام او، در فهم دقیق آیه بسیار کلیدی است (زجاج، ۱۹۸۸م: ۲۴۲/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق: ۴۱۶/۶؛ فراء، ۱۹۸۰م: ۳۳۱/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۷/۴).

۲-۲-۲-۳. به معنای «ناتوانی از اثبات دروغگویی»: این فعل هم‌چنین بر معنای «عدم توانایی بر دروغگو قلمدادکردن یا اثبات دروغگویی کسی» دلالت دارد. طبق این وجه، معنای آیه این است که مخالفان «نمی‌توانند بر تو ثابت‌کنند که دروغگویی» یا «نمی‌توانند تو را در جایگاه یک دروغگو قراردهند»، زیرا برای این کار نیازمند اقامه حجت و برهان هستند و از پیامبر (ص) سابقه دروغی در دست ندارند (فراء، ۱۹۸۰م: ۳۳۱/۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق: ۴۱۶/۶؛ نحاس، ۱۴۲۱ق: ۸/۲).

۲-۲-۳. تأثیر تمایزات لغوی بر دلالت‌شناسی قرائات آیه

این تمایزات لغوی دقیق، مستقیماً بر تفسیر آیه تأثیر می‌گذارد. قرائت با تشدید («يُكْذِبُونَكَ»)، عمدتاً به این معنا است که آنان (در باطن یا براساس سابقه پیامبر)

شخص ایشان را متهم به دروغگویی نمی‌کنند یا نمی‌توانند بکنند. اما قرائت با تخفیف («يُكْذِبُونَكَ»)، با توجه به وجوه معنایی باب افعال، می‌تواند دلالت‌های عمیق‌تری داشته باشد:

- آنان تو را دروغ‌گویی‌بایند (یعنی صداقت تو بر آنان آشکار است).
- آنان نمی‌توانند آنچه را تو آورده‌ای، کذب و باطل نشان دهند (یعنی از ابطال محتوای رسالت تو عاجزند).
- آنان نمی‌توانند بر تو اتهام دروغ را اثبات‌کنند یا تو را در جایگاه یک دروغ‌گو قرار دهند.

این ظرایف لغوی، به‌ویژه معنای دوم و سوم از قرائت با تخفیف، زمینه را برای فهم روی‌کرد تفسیری مبتنی بر قرائت امیرالمؤمنین (ع) فراهم می‌آورد که بر «عدم امکان ابطال حقانیت پیامبر (ص)» و عجز استدلالی مخالفان تأکید دارد، موضوعی که در بخش‌های بعدی به تفصیل بررسی خواهد شد.

۲-۳. نسبت‌سنجی نفی تکذیب با واقعیت تاریخی انکار پیامبر (ص) و جحود به آیات الهی

کانون چالش هرمنوتیکی در آیه ۳۳ سورة انعام، تعارض ظاهری میان عبارت «فَإِنَّهُمْ لَا يُكْذِبُونَكَ» و واقعیت مسلم تاریخی و قرآنی است که بر تکذیب صریح پیامبر (ص) از سوی مخالفان دلالت دارد. این تنش با ساختار خود آیه پیچیده‌تر می‌شود؛ چگونه از یک سو «تکذیب» پیامبر نفی شده و بلافاصله در ادامه، «جحود» (انکار) نسبت به آیات الهی از سوی همان افراد اثبات می‌شود؟ (علم‌الهدی، ۱۴۳۱ق: ۲/۲۶۲). این پرسش مطرح است که آیا انکار آیات الهی، خود شدیدترین مرتبه تکذیب آورنده آن،

یعنی پیامبر (ص)، محسوب نمی‌شود؟ (علم الهدی، ۱۴۳۱ق: ۲/۲۶۲). بنابراین، آیه یک گره تفسیری ایجاد می‌کند که نیازمند راه‌کاری منسجم برای تبیین نسبت میان نفی تکذیب و اثبات جحود است.

۳. قرائت امیرالمؤمنین علی (ع) در «لَا يَكْذِبُونَكَ»

پس از بررسی مبانی نظری و زمینه‌های تفسیری آیه، اکنون تمرکز پژوهش بر قرائت منسوب به امیرالمؤمنین علی (ع) و تفسیر مأثور از اهل بیت (ع) قرار می‌گیرد. این بخش که هسته اصلی تحقیق را تشکیل می‌دهد در دو گام به تحلیل این روی‌کرد می‌پردازد: ابتدا، مستندات روایی این قرائت در منابع حدیثی و تفسیری امامیه و سایر فرق اسلامی بررسی می‌شود تا اصالت استناد آن روشن شود. سپس، با واکاوی دقیق روایات تفسیری، دلالت معنایی محوری این قرائت، یعنی «ابطال ناپذیری حقانیت پیامبر (ص) و عجز استدلالی مخالفان»، تبیین می‌شود.

۳-۱. مستندات روایی قرائت «لَا يَكْذِبُونَكَ»

یکی از وجوه تفسیری متمایز در فهم آیه، قرائت عبارت «فَإِنَّهُمْ لَا يُكْذِبُونَكَ» به صورت مخففه، یعنی «لَا يَكْذِبُونَكَ» است. اهمیت این قرائت در سنت امامیه، به دلیل انتساب مستند آن به امیرالمؤمنین (ع) و امام صادق (ع) است که زمینه‌ساز فهمی خاص از آیه مبنی بر «ابطال ناپذیری حقانیت پیامبر (ص)» شده است.

در منابع اصلی حدیثی شیعه، این انتساب به روشنی تأیید شده است. در روایاتی از امام صادق (ع) به نقل از امیرالمؤمنین (ع) آمده که ایشان پس از شنیدن قرائت مشهور، بر تکذیب شدید پیامبر (ص) از سوی مخالفان تأکید کرده و فرموده‌اند که آیه به صورت مخففه («لَا يَكْذِبُونَكَ») نازل شده و به این معنا است که آنان «نمی‌توانند

باطلی بیاورند که با آن حق تو را تکذیب کنند» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۰/۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۳۵۹/۱؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۷۱۱/۱). در نقلی دیگر، قرائت نازل شده «لَا يَأْتُونَكَ» ذکر شده که آن نیز به معنای «عدم توانایی بر آوردن حقی برای ابطال حق تو» است و با معنای قرائت تخفیف همسویی دارد (قمی، ۱۳۶۳ق: ۱۹۶/۱).

این انتساب، علاوه بر جوامع حدیثی، در تفاسیر بزرگ امامیه به صورت مستمر تأیید شده و مبنای تحلیل قرار گرفته است (طوسی، بی تا: ۱۱۹/۴؛ شریف مرتضی، ۱۴۳۱ق: ۲۶۲/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق: ۴۵۵/۴). هم چنین، برخی منابع لغوی و تفسیری اهل سنت نیز این قرائت با تخفیف را به امیرالمؤمنین (ع) و امام صادق (ع) نسبت داده اند (فراء، ۱۹۸۰م: ۳۳۱/۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق: ۴۱۶/۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۷/۴). این اسناد متعدد، پایه و اساس رویکرد تفسیری ویژه ای را تشکیل می دهد که در ادامه بررسی می شود.

۲-۳. واکاوی معنای «لَا يَكْذِبُونَكَ» (با تخفیف)، در پرتو تفسیر اهل بیت (ع)

تفسیر مأثور از اهل بیت (ع) برای قرائت «لَا يَكْذِبُونَكَ» (با تخفیف)، معنای آیه را از یک گزارش روان شناختی فراتر می برد و آن را به بیانی از استحکام و ابطال ناپذیری حجت نبوی تبدیل می کند. این رویکرد، برخلاف تفاسیر رایج، بر «عجز معرفتی و استدلالی مخالفان» در برابر حقانیت رسالت تأکید می ورزد. این معنا در سه محور اصلی در روایات تبیین شده است:

۳-۲-۱. عجز از ارائه برهان باطل کننده

محوری ترین تفسیر ارائه شده از امیرالمؤمنین (ع) و امام صادق (ع) آن است که مخالفان «نمی توانند باطلی بیاورند که با آن حق تو را تکذیب کنند» (عیاشی، ۱۳۸۰ق:

ابطال ناپذیری حقانیت نبوی در پرتو قرائت امیرالمؤمنین (ع) ... / ملازاده بامچی ۳۲۹

۳۵۹/۱؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۷۱۱/۱). این بیان به معنای آن است که عجز آنان، عجزی در ارائه «ما به التکذیب» است؛ یعنی ابزار و محتوای لازم برای تکذیب مدلل را در اختیار ندارند.

۳-۲-۲. عجز از ارائه بدیل برتر

در روایات دیگری که از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده، این عجز وجه دیگری می‌یابد: آنان «نمی‌توانند حقی را عرضه‌کنند که برتر و شایسته‌تر از حق تو باشد» (شریف مرتضی، ۱۴۳۱ق: ۲۶۲/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴۵۵/۴؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق: ۱۲۸۲/۴). این تفسیر بر جامعیت، کمال و اولویت مطلق پیام و حیانی تأکید کرده و هرگونه امکان ارائه بدیل برتر را از سوی مخالفان نفی می‌کند (طوسی، بی‌تا: ۱۱۹/۴).

۳-۲-۳. عجز از ابطال اصل دعوت

در بیانی دیگر از امام صادق (ع) آمده است که آنان «توانایی و استطاعت ابطال گفتار تو را ندارند» (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۳۵۹/۱). این «قول» شامل تمامی محتوای رسالت است که مخالفان در برابر استحکام منطقی و معنوی آن، یارای مقاومت و ابطال ندارند. این معنا با تفسیر ارائه‌شده برای قرائت «لَا يَأْتُونَكَ» نیز همسو است که آن را به «عدم توانایی بر آوردن حقی برای ابطال حق تو» معنای می‌کند (قمی، ۱۳۶۳ق: ۱۹۶/۱).

بنابراین، جوهر پیام اهل بیت (ع) در تفسیر این آیه، تأکید بر ضعف و شکست مطلق معرفتی، استدلالی و برهانی مخالفان در برابر حقانیت ذاتی و شکست‌ناپذیر پیامبر (ص) و پیام ایشان است.

۴. بازتاب و بسط قرائت امیرالمؤمنین (ع) در سنت تفسیری شیعه

پس از تبیین مستندات و دلالت‌های معنایی قرائت منسوب به امیرالمؤمنین (ع) در پرتو روایات اهل بیت (ع)، در این بخش سیر تاریخی و کیفیت بازتاب این رویکرد تفسیری در میان مفسران امامیه بررسی می‌شود. هدف آن است که نشان دهیم این قرائت و تفسیر برآمده از آن، چگونه از یک نقل روایی به یک جریان تفسیری تأثیرگذار تبدیل شده است. این تحلیل در سه گام انجام می‌پذیرد: نخست، چگونگی استناد مفسران متقدم؛ دوم، رویکرد تفاسیر متأخر و معاصر و سرانجام، تبیین نقش محوری این قرائت در شکل‌گیری گفتمان «ابطال‌ناپذیری معرفتی» دعوت نبوی در تفکر شیعی.

۴-۱. تحلیل کیفی استناد مفسران متقدم امامیه به قرائت «لَا يَكْذِبُونَكَ» و دلالت آن بر استحکام صدق نبوی

مفسران متقدم امامیه، قرائت «لَا يَكْذِبُونَكَ» (با تخفیف) و تفسیر مأثور آن را کلید اصلی حل چالش تفسیری آیه ۳۳ سورة انعام قرار دادند. جوامع حدیثی و تفاسیر اولیه، با ثبت روایات کلیدی از امیرالمؤمنین (ع) و امام صادق (ع)، این میراث را حفظ کردند. این روایات، معنای آیه را بر «عجز استدلالی مخالفان» متمرکز کرده، آن را با عباراتی چون «لَا يَأْتُونَ بِبَاطِلٍ يُكْذِبُونَ بِهِ حَقَّكَ» (نمی‌توانند باطلی بیاورند که حق تو را با آن تکذیب کنند) و «لَا يَسْتَطِيعُونَ إِطْطَالَ قَوْلِكَ» (توانایی باطل ساختن گفتار تو را ندارند) تبیین می‌کنند. حتی در نقلی که قرائت را «لَا يَأْتُونَكَ» ذکر کرده، بر همین معنای «عدم توانایی بر آوردن حقی برای ابطال حق تو» تأکید دارد که نشان‌دهنده جوهره واحد این رویکرد تفسیری است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۰/۸؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۷۱۱/۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۳۵۹/۱؛ قمی، ۱۳۶۳ق: ۱۹۶/۱).

مفسران بزرگ بعدی، باتکیه بر این شالوده روایی، به صورت نظام مند از آن برای اثبات «حقانیت ابطال ناپذیر» پیامبر (ص) بهره جستند. ایشان استدلال کردند که نفی تکذیب در آیه، به معنای ناتوانی مخالفان از ارائه «حجت و برهان» قاطع یا «حق» برتر» برای رد دعوت پیامبر (ص) است. این مفسران با استناد مستقیم به قرائت و تفسیر اهل بیت (ع)، کانون معنایی آیه را از یک وضعیت روان شناختی (تصدیق قلبی) به یک شکست عینی در عرصه برهان منتقل کردند. در این نگاه، صدق پیامبر (ص) نه فقط در شخصیت ایشان، بلکه در محتوای ذاتاً خلل ناپذیر و بی بدیل رسالتشان به اثبات می رسد (طوسی، بی تا: ۱۱۹/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴/۴۵۵).

۲-۴. روی کرد تفاسیر متأخر و معاصر به قرائت اهل بیت (ع)

در میان تفاسیر متأخر و معاصر شیعه، دو روی کرد اصلی در مواجهه با قرائت «لَا يَكْذِبُونَكَ» (با تخفیف) و تفسیر مأثور آن قابل رصد است. گروهی از مفسران، این خط تفسیری را که از متقدمین به ارث رسیده، ادامه داده و آن را راه گشای اصلی حل چالش آیه دانسته اند. این دیدگاه، قرائت با تخفیف را ناظر به عجز مخالفان در ابطال حجت نبوی می داند؛ به این معنا که آنان قادر به غلبه بر پیامبر (ص) از راه ارائه برهان یا اثبات کذب ایشان نبودند. در این نگاه، استحکام استدلالی رسالت، دلیل اصلی صدق آن معرفی می شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۶۱/۷؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ۳۹۷/۹).

در مقابل، بسیاری دیگر از تفاسیر معاصر، برای حل تعارض آیه، بر وجوه تفسیری دیگری تمرکز کرده و به قرائت تخفیف و معنای خاص آن نپرداخته اند. این تفاسیر عمدتاً دو راه کار را برجسته می کنند: الف). تفکیک میان تکذیب شخص پیامبر (ص) و تکذیب پیام او، به این معنا که مخالفان، شخص پیامبر را که به امانت می شناختند،

تکذیب نمی کردند، بلکه آیات الهی را انکار می کردند؛ ب). تأکید بر دوگانگی تصدیق قلبی و انکار ظاهری، به این معنا که مخالفان در باطن به صدق پیامبر (ص) علم داشتند اما از روی عناد و حفظ منافع، آن را آشکارا رد می کردند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق: ۲۵۹/۴-۲۶۰؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۷۸/۹؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۹۵ق: ۱۰۵/۱۰؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۵۲/۳؛ سبزواری، ۱۴۰۶ق: ۲۵/۳). اگرچه این تنوع، گویای گوناگونی رویکردهای تفسیری در دوران معاصر است، اما اهمیت دیدگاه نخست در حفظ و تبیین وجه استدلالی و برهان محور تفسیر اهل بیت (ع) برجسته می نماید.

۳-۴. تبیین نقش قانونی قرائت اهل بیت (ع) در گفتمان تفسیری شیعه برای اثبات «ابطال ناپذیری معرفتی» دعوت نبوی

بررسی سیر تفسیری آیه ۳۳ سورة انعام در میان امامیه، جایگاه محوری قرائت «لَا يَكْذِبُونَكَ» (با تخفیف) و تفاسیر مأثور از اهل بیت (ع) را در تبیین «ابطال ناپذیری معرفتی» دعوت نبوی آشکار می سازد. این رویکرد، که ریشه در بیانات امیرالمؤمنین (ع) و امام صادق (ع) دارد، معنای آیه را از یک گزارش روان شناختی درباره انکار ظاهری و تصدیق قلبی کافران (سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ۴۴۴/۱؛ طبرانی، ۲۰۰۸م: ۲۳/۳)، به یک اصل بنیادین کلامی ارتقاء می دهد.

مبنای این تفسیر، تأکید بر عجز استدلالی و معرفتی مخالفان در برابر حقانیت رسالت است؛ چنان که در روایات تفسیری آمده، آنان «لَا يَأْتُونَ بِبَاطِلٍ يُكْذِبُونَ بِهِ حَقَّكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۰/۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۳۵۹/۱)، «لَا يَجِئُونَ بِحَقِّ هُوَ أَحَقُّ مِنْ حَقِّكَ» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ۱۲۸۲/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴۵۵/۴) و در نتیجه «لَا يَسْتَطِيعُونَ إِبْطَالَ قَوْلِكَ» (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۳۵۹/۱) هستند. این تلقی از «ابطال ناپذیری معرفتی»، که بر استحکام برهانی محتوای وحی تأکید دارد، در آثار

ابطال ناپذیری حقانیت نبوی در پرتو قرائت امیرالمؤمنین (ع) ... / ملازاده یامچی ۳۳۳

مفسران برجسته‌ای چون شیخ طوسی (بی‌تا: ۱۱۹/۴)، طبرسی (۱۳۷۲ش: ۴/۴۵۵)، علامه طباطبائی (۱۳۹۰ق: ۶۱/۷) و آیت‌الله صادقی تهرانی (۱۴۰۶ق: ۳۹۷/۹) استمرار یافته‌است.

بنابراین، در گفتمان تفسیری شیعه، این قرائت و معانی آن، حقانیت رسالت را نه فقط بر صدق شخصی پیامبر (ص)، بلکه عمدتاً بر ماهیت شکست‌ناپذیر و برتری استدلالی پیام الهی استوار می‌سازد که هیچ حجت معارضی قادر به ابطال آن نیست و همین امر، سنگ بنای تسلا‌ی الهی در آیه محسوب می‌شود.

۵. تحلیل تطبیقی و ارزیابی جایگاه هرمنوتیکی قرائت امیرالمؤمنین (ع)

پس از بررسی بازتاب قرائت امیرالمؤمنین (ع) در سنت تفسیری شیعه، در این بخش پایانی، جایگاه هرمنوتیکی و ارزش تفسیری این روی‌کرد در مقایسه با سایر پارادایم‌ها ارزیابی می‌شود. هدف آن است که نشان دهیم این تفسیر چه جایگاهی در منظومه تفاسیر آیه دارد و چه نوآوری و ظرفیت راه‌گشایی را به همراه می‌آورد. این ارزیابی در دو محور انجام خواهد شد: نخست، نسبت این تفسیر با سایر دیدگاه‌های رایج، مانند نظریه «تصدیق باطنی و انکار ظاهری»، سنجیده می‌شود. دوم، نوآوری، انسجام و ظرفیت این روی‌کرد در ارائه تفسیری برهان‌محور و تثبیت حقانیت ابطال‌ناپذیر پیامبر (ص) تحلیل می‌شود.

۵-۱. نسبت سنجی تفسیر مبتنی بر قرائت امیرالمؤمنین (ع) با سایر پارادایم‌های تفسیری

تفسیر مبتنی بر قرائت «لَا يَكْذِبُونَكَ» (با تخفیف) که بر عجز معرفتی و استدلالی مخالفان در ابطال دعوت نبوی تأکید دارد، در تحلیل تطبیقی با سایر پارادایم‌های تفسیری، جایگاهی ممتاز می‌یابد:

۵-۱-۱. دوگانگی تصدیق باطنی و انکار ظاهری

رایج ترین دیدگاه آن است که مخالفان در باطن به صدق پیامبر (ص) اذعان داشتند اما در ظاهر انکار می کردند (طبری، ۱۴۱۲ق: ۷/۱۱۵-۱۱۷؛ رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۲/۵۱۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق: ۶/۴۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق: ۴/۲۵۹). تفسیر مأثور از اهل بیت (ع)، ضمن عدم تعارض با این دیدگاه، کانون تحلیل را از وضعیت روان شناختی مخالفان به یک واقعیت عینی تر منتقل می کند: عجز آنان از ارائه برهان معارض (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۸/۲۰۰؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱/۳۵۹). در این روی کرد، تمرکز بر قوت ذاتی پیام الهی است، نه صرفاً تناقض درونی کافران.

۵-۱-۲. تکذیب آیات الهی و نه شخص پیامبر (ص)

پاراادیم دیگر، جهت گیری تکذیب را متوجه «آیات الله» و نه شخصیت صادق پیامبر (ص) می داند (قمی، ۱۳۶۳ق: ۱/۱۹۶؛ طوسی، بی تا: ۴/۱۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۷/۶۱). تفسیر مبتنی بر قرائت تخفیف، این دیدگاه را تکمیل می کند و به آن عمق می بخشد؛ زیرا توضیح می دهد که جحود آنان نسبت به آیات، محصول ناتوانی شان در ابطال استدلالی خود پیامبر (ص) است. عجز از غلبه بر رسول، دلیل روی آوردن به انکار رسالت است.

۵-۱-۳. عجز از یافتن یا اثبات کذب

این وجه که به معنای لغوی «اُكْذَبَ» (او را دروغگو یافت) نزدیک است، بیان می کند که مخالفان نمی توانستند در سیره و دعوت پیامبر (ص) نشانه ای از کذب بیابند (ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق: ۱۳۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق: ۶/۴۱۶). تفسیر اهل بیت (ع) با تأکید بر «لَا يَأْتُونَ

ابطال ناپذیری حقانیت نبوی در پرتو قرائت امیرالمؤمنین (ع) ... / ملازاده یامچی ۳۳۵

بِبَاطِلٍ...» یا «لَا يَجِيئُونَ بِحَقِّ هُوَ أَحَقُّ...» (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۳۵۹/۱؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ۱۲۸۲/۴)، جنبه‌ای فعال و دیالکتیکی به این عجز می‌بخشد. این به معنای ناتوانی در «ارائه» و «تولید» هرگونه بدیل یا برهان معارض است که یک مرحله فراتر از صرف «نیافتن کذب» است.

۵-۱-۴. تمایز لغوی «كَذَبَ» و «أَكْذَبَ»

مباحث لغوی میان باب تفعیل (نسبت دادن کذب) و باب افعال (دروغ‌گوییافتن یا ابطال قول) تمایز قائل می‌شوند (فراء، ۱۹۸۰م: ۳۳۱/۱؛ زجاج، ۱۹۸۸م: ۲۴۲/۲). تفسیر مبتنی بر قرائت امیرالمؤمنین (ع) از ظرفیت معنایی باب افعال (تخفیف) بهره‌می‌برد و آن را در جهت «عجز از ابطال حق از راه ارائه برهان» کانونی می‌سازد و به این بحث لغوی، مصداقی کلامی و عمیق می‌بخشد.

در مجموع، این تفسیر ضمن هم‌پوشانی با سایر دیدگاه‌ها، با تمرکز بر «عجز فعالانه مخالفان در ارائه دلیل یا بدیل»، راه‌کاری منحصر به فرد برای تبیین آیه ارائه می‌دهد که «ابطال ناپذیری معرفتی» دعوت نبوی را به عنوان محور اصلی تسلاهی الهی تثبیت می‌کند.

۵-۲. نوآوری و جایگاه هرمنوتیکی تفسیر مبتنی بر قرائت اهل بیت (ع)

تحلیل روی کرد تفسیری مبتنی بر قرائت «لَا يَكْذِبُونَكَ» (با تخفیف) و تفسیر مأثور از اهل بیت (ع)، نوآوری، انسجام و قدرت تبیینی آن را در ارائه یک فهم برهان محور از آیه ۳۳ سوره انعام آشکار می‌سازد. ارزیابی انتقادی این روی کرد ابعاد زیر را برجسته می‌کند: نوآوری در تغییر کانون تحلیل: نوآوری اصلی این روی کرد، تغییر کانون توجه از وضعیت روان‌شناختی مخالفان_ مانند تصدیق قلبی و انکار ظاهری (طبری، ۱۴۱۲ق:

۱۱۵/۷-۱۱۷؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۵۵۸/۱) - به «ابطال ناپذیری عینی» پیام الهی است. این تفسیر با معنادر «تکذیب» نفی شده به «ابطال از راه برهان» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۰/۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۳۵۹/۱)، آیه را از یک گزارش درباره احوال کافران به یک گزاره بنیادین کلامی درباره ماهیت شکست ناپذیر رسالت ارتقاء می دهد. انسجام تفسیری و حل چالش هرمنوتیکی: این تفسیر با حل چالش تعارض «لَا يُكْذِبُونَكَ» با واقعیت تاریخی، انسجام درونی آیه را آشکار می سازد. خداوند ناتوانی مخالفان را در ابطال استدلالی حق، نفی می کند، نه صرفاً عمل تکذیب ظاهری آنان را که در همان روایات نیز به «أَشَدَّ التَّكْذِيبِ» توصیف شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۰/۸). در این نگاه، «جحد» (انکار عنادآمیز) در بخش دوم آیه «وَلَا يَكُنِ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ»، نتیجه منطقی «عجز» استدلالی آنان در مواجهه با حق است.

ارائه تفسیری برهان محور: این رویکرد، با اتکا به ظرفیت های لغوی باب افعال (فراء، ۱۹۸۰م: ۳۳۱/۱؛ زجاج، ۱۹۸۸م: ۲۴۲/۲) و هدایت روایات، تفسیری برهان محور از آیه ارائه می دهد. بر این اساس، «لَا يُكْذِبُونَكَ» به معنای ناتوانی مخالفان در غلبه بر پیام نبوی در یک محکمه استدلالی است، که خود بزرگ ترین گواه بر حقانیت ذاتی رسالت محسوب می شود.

تثبیت حقانیت ابطال ناپذیر رسالت: پیامد اصلی این تفسیر، تأکید بر حقانیت ذاتی و خلل ناپذیر پیام وحیانی است. این حقانیت، یک واقعیت عینی است که در برابر هرگونه تلاش برای ابطال یا ارائه بدیل، مقاومت می کند. عبارت «لَا يَأْتُونَ بِحَقِّ هُوَ أَحَقُّ مِنْ حَقِّكَ» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ۱۲۸۲/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴۵۵/۴)، این ابطال ناپذیری را به بهترین شکل تبیین می کند.

در نتیجه، تفسیر منقول از اهل بیت (ع) با تغییر کانون توجه، انسجام بخشی به آیه و ارائه تبیینی برهان محور، ظرفیتی ممتاز برای فهم عمیق تر آیه فراهم می آورد و بر حقانیت ابطال ناپذیر رسالت نبوی تأکیدی ورزد.

۶. نتیجه

پژوهش حاضر به تحلیل نقش و دلالت های قرائت «لَا يُكْذِبُونَكَ» (به تخفیف ذال) در آیه ۳۳ سورة انعام و بازتاب آن در میراث تفسیری شیعه پرداخت. این قرائت که در کنار قرائت مشهور «لَا يُكْذِبُونَكَ» (به تشدید ذال) در منابع فریقین نقل شده، در میراث روایی و تفسیری شیعه، به طور خاص به امیرالمؤمنین (ع) و امام صادق (ع) استناد داده شده است.

یافته های تحقیق نشان داد که این قرائت، کانون معنایی آیه را از «تکذیب شخصی پیامبر (ص)» که در قرائت مشهور بیشتر به جنبه روان شناختی (تصدیق قلبی و انکار زبانی) توجه دارد، به «عجز معرفتی و استدلالی مخالفان در ابطال حقانیت رسالت» منتقل می کند. این معنا، که در روایات تفسیری اهل بیت (ع) با عباراتی چون «لَا يَأْتُونَ بِبَاطِلٍ يُكْذِبُونَ بِهِ حَقَّكَ» تبیین شده، بُعدی عینی و برهان محور را برجسته می کند؛ بدین معنا که مخالفان توانایی ارائه بدیل معرفتی برتر یا اقامه برهانی برای ابطال پیام نبوی را ندارند.

این پژوهش نشان داد که رویکرد تفسیری مذکور از علی بن ابراهیم قمی و عیاشی تا شیخ طوسی، طبرسی و متأخرانی چون علامه طباطبایی در سنت تفسیری شیعه جریانی مستمر داشته و به عنوان یک وجه معنایی عمیق برای تبیین ابطال ناپذیری دعوت پیامبر (ص) به کار رفته است. بدین ترتیب، این مقاله نشان داد که قرائت منسوب به

امیرالمؤمنین (ع) صرفاً یک اختلاف در اعراب نیست، بلکه حامل یک پارادایم تفسیری مستقل و راه‌گشا است که بر شکست‌ناپذیری عقلانی و برهانی پیام الهی تأکید دارد. دلالت‌های نظری این تفسیر می‌تواند به‌عنوان یکی از مبانی تفسیری برای تعمیق مباحث کلامی نگریسته‌شود؛ ازجمله در بحث «خاتمیت»، که بر ابطال‌ناپذیری پیام استوار است و نیز «اعجاز قرآن» به مثابه برهان شکست‌ناپذیر. هم‌چنین، این روی‌کرد گویی برای مواجهه‌ی مستدل با شبهات معاصر فراهم می‌آورد. در نهایت، گرچه این مقاله بر تحلیل محتوایی و دلالت‌شناختی تمرکز داشت، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی به نقد سندی تفصیلی روایات مورد استناد بپردازند تا ابعاد تاریخی این قرائت و تفسیر آن با استحکام بیشتری تبیین شود.

کتابنامه

قرآن کریم

- آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، چاپ ۳، ریاض، مکتبة نزار مصطفى الباز.
- ابن الجزری، محمد بن محمد، (۱۴۲۲ق)، النشر فی القراءات العشر، ج ۲، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم، (۱۴۱۱ق)، تفسیر غریب القرآن، بیروت، دار و مکتبة الهلال.
- ابن مجاهد، احمد بن موسی، (۲۰۰۷م)، کتاب السبعة فی القراءات، تحقیق شوقی ضیف، چاپ ۳، قاهره، دارالمعارف.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، چاپ ۴، قم، اسماعیلیان.

ابطال ناپذیری حقانیت نبوی در پرتو قرائت امیرالمؤمنین (ع) ... / ملازاده یامچی ۳۳۹

الدانی، عثمان بن سعید، (۱۴۲۸ق)، التیسیر فی القراءات السبع، تحقیق اوتو پرتسل، بیروت، دارالکتاب العربی.

رازی، محمد بن عمر (فخر رازی)، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، چاپ ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

زجاج، ابراهیم بن السری، (۱۹۸۸م)، معانی القرآن و إعرابه، تحقیق عبدالجلیل عبده شلبی، بیروت، عالم الكتب.

زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ ۳، بیروت، دارالکتاب العربی.

سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۹۵ش)، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، قم، مؤسسه امام صادق (ع).

سبزواری، محمد، (۱۴۰۶ق)، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات. سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ق)، بحر العلوم (تفسیر السمرقندی)، بیروت، دارالفکر. صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، چاپ ۲، قم، فرهنگ اسلامی. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ ۲، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ ۳، تهران، ناصر خسرو. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی. علم الهدی، علی بن الحسین (شریف مرتضی)، (۱۴۳۱ق)، أمالی المرتضی (غرر الفوائد ودرر القلائد)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، کتاب التفسیر (تفسیر العیاشی)، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه. فراء، یحیی بن زیاد، (۱۹۸۰م)، معانی القرآن، چاپ ۲، قاهره، هیئة المصریه العامه للكتاب. فضل الله، محمدحسین، (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، چاپ ۱، بیروت، دارالملاک.

- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، چاپ ۳، قم، دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ ۴، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- مدرسی، محمدتقی، (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین.
- مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۱ق)، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).
- نحاس، احمد بن محمد، (۱۴۲۱ق)، اعراب القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- واحدی، أبو الحسن علی بن أحمد، (۱۴۳۰ق)، التفسیر البسیط، تحقیق دانشگاه امام محمد بن سعود، ریاض، عمادة البحث العلمي.

Bibliography

- Alusi, Mahmud bin Abdullah (1995 AH), Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim wa al-Sab' al-Mathani, Beirut, Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]
- Ibn Abi Hatim, Abdurrahman bin Muhammad (1999 AH), Tafsir al-Qur'an al-Azim, 3rd ed., Riyadh, Maktabat Nizar Mustafa al-Baz. [In Arabic]
- Ibn al-Jazari, Muhammad bin Muhammad (2002 AH), Al-Nashr fi al-Qira'at al-'Ashr, Vol. 2, Beirut, Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]
- Ibn Qutaybah, Abdullah bin Muslim (1991 AH), Tafsir Gharib al-Qur'an, Beirut, Dar wa Maktabat al-Hilal. [In Arabic]
- Ibn Mujahid, Ahmad bin Musa (2007 CE), Kitab al-Sab'ah fi al-Qira'at, ed. Shawqi Dayf, 3rd ed., Cairo, Dar al-Ma'arif. [In Arabic]
- Huweyzi, Abd Ali bin Jum'ah (1995 AH), Tafsir Nur al-Thaqalayn, 4th ed., Qom, Isma'iliyyan. [In Arabic]
- Dani, Uthman bin Sa'id (2007 AH), Al-Taysir fi al-Qira'at al-Sab', ed. Otto Pretzel, Beirut, Dar al-Kitab al-'Arabi. [In Arabic]
- Razi, Muhammad bin Umar (Fakhr al-Razi) (2000 AH), Mafatih al-Ghayb (al-Tafsir al-Kabir), 3rd ed., Beirut, Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Zajjaj, Ibrahim bin al-Sari (1988 CE), Ma'ani al-Qur'an wa I'rabuh, ed. Abdul Jalil Abduh Shalabi, Beirut, 'Alam al-Kutub. [In Arabic]
- Zamakhshari, Mahmud bin Umar (1987 AH), Al-Kashshaf 'an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil, 3rd ed., Beirut, Dar al-Kitab al-'Arabi. [In Arabic]

- Subhani Tabrizi, Jafar (2016 SH), Munyat al-Talibin fi Tafsir al-Qur'an al-Mubin, Qom, Imam Sadiq Institute. [In Persian]
- Sabzawari, Muhammad (1986 AH), Al-Jadid fi Tafsir al-Qur'an al-Majid, Beirut, Dar al-Ta'aruf lil-Matbu'at. [In Arabic]
- Samarkandi, Nasr bin Muhammad (1996 AH), Bahr al-'Ulum (Tafsir al-Samarkandi), Beirut, Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Sadiqi Tehrani, Muhammad (1986 AH), Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an bil-Qur'an wa al-Sunnah, 2nd ed., Qom, Farhang-e Islami. [In Persian]
- Tabataba'i, Muhammad Husayn (1970 AH), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, 2nd ed., Beirut, Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at. [In Arabic]
- Tabarsi, Fazl bin Hassan (1993 SH), Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, 3rd ed., Tehran, Nasser Khosro. [In Arabic]
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1992 AH), Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
- Tusi, Muhammad bin Hasan (n.d.), Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- 'Alam al-Huda, Ali bin al-Husayn (Sharif al-Murtada) (2010 AH), Amali al-Murtada (Gurar al-Fawa'id wa Durar al-Qala'id), ed. Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim, Beirut, Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at. [In Arabic]
- 'Ayyashi, Muhammad bin Mas'ud (1960 AH), Kitab al-Tafsir (Tafsir al-'Ayyashi), Tehran, Maktabat al-'Ilmiyyah al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Farra', Yahya bin Ziyad (1980 CE), Ma'ani al-Qur'an, 2nd ed., Cairo, Egyptian General Book Authority. [In Arabic]
- Fadlullah, Muhammad Husayn (1999 AH), Min Wahy al-Qur'an, 1st ed., Beirut, Dar al-Malak. [In Arabic]
- Qurtubi, Muhammad bin Ahmad (1985 SH), Al-Jami' li Ahkam al-Qur'an, Tehran, Nasser Khosro. [In Arabic]
- Qummi, Ali bin Ibrahim (1984 SH), Tafsir al-Qummi, 3rd ed., Qom, Dar al-Kitab. [In Arabic]
- Kulayni, Muhammad bin Ya'qub (1987 AH), Al-Kafi, ed. Ali Akbar Ghafari and Muhammad Akhundi, 4th ed., Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Modarresi, Muhammad Taqi (1999 AH), Min Huda al-Qur'an, Tehran, Dar Muhibbi al-Husayn. [In Arabic]
- Muqatil bin Sulayman (2002 AH), Tafsir Muqatil bin Sulayman, Beirut, Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser (2000 AH), Al-Amthal fi Tafsir Kitab Allah al-Munzal, Qom, Madrasat al-Imam Ali bin Abi Talib (a). [In Arabic]
- Nahhas, Ahmad bin Muhammad (2000 AH), I'rab al-Qur'an, Beirut, Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]
- Wahidi, Abu al-Hasan Ali bin Ahmad (2009 AH), Al-Tafsir al-Basit, ed. Imam Muhammad bin Saud Islamic University, Riyadh, Deanship of Scientific Research. [In Arabic]



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی